

نقش توانمندسازی جوامع محلی در مدیریت پایدار منابع طبیعی (مطالعه موردی: حوزه رامه شهرستان آرادان)

پیمان اکبرزاده

کارشناسی ارشد مهندسی منابع طبیعی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

سید حسن کابلی^۱

استادیار بوم‌شناسی و مدیریت مرتع، دانشگاه سمنان، ایران

محمد رضا رجبی

کارشناسی ارشد مهندسی منابع طبیعی، دانشگاه سمنان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۸

چکیده

منابع طبیعی یکی از ثروت‌های حائز اهمیت برای نسل‌های کنونی و آینده است که نقش بسیار مهمی در تعادل بوم‌شناختی، درآمدزایی و توسعه روستایی دارد؛ اما این منابع اکنون با بهره‌برداری بیش‌ازحد مجاز و غیراصولی در معرض نابودی قرار گرفته است. حفاظت از این منابع به صورت حاکمیتی و با برنامه‌ریزی از بالا به پایین انجام می‌شود و علی‌رغم اقدامات سخت‌گیرانه و هزینه‌های زیاد از طرف دولت، تخریب منابع طبیعی همچنان ادامه دارد، این مسئله نیاز به مدیریتی سازگار برای حفاظت منابع طبیعی با تأکید بر همکاری جوامع محلی را ضروری می‌نماید. جامعه آماری در بخش کمی تحقیق شامل بهره‌برداران مراتع حوزه رامه بود است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران تعیین و تعداد ۷۰ پرسشنامه تکمیل و مقایسه نگرش ساکنین و تحلیل عاملی صورت گرفت. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد اجرای توانمندسازی و توان افزایی جوامع محلی در نهایت منجر به حفاظت بهتر منابع طبیعی شده و گروه‌های محلی پایدار مانده و رضایتمندی مردم با مشارکت در مراحل برنامه‌ریزی اجرا و پایش حاصل شده است. نتایج حاصل از تحلیل داده‌های کمی و کیفی مربوط به اثرات اجرای طرح و میزان واریانس تبیین شده آن‌ها نشان می‌دهد مؤلفه مشارکت مردم در اجرای طرح اثربخش تر بوده و توجیه‌کننده واریانس بیشتری (۳۲/۹۵) نسبت به دیگر مؤلفه‌ها بود؛ به عبارت دیگر در تلخیص مؤلفه‌های موردبررسی، مشارکت مردم در اجرای طرح بالاترین رتبه را به خود اختصاص داده است.

واژگان کلیدی: توانمندسازی، جوامع محلی، مدیریت پایدار، تشکل، مشارکت مردمی

مقدمه

منابع طبیعی تجدیدشونده در مسیر تحولات اقتصادی، اجتماعی جوامع مختلف نقش اساسی و سازنده داشته است؛ در کشور ما نیز منابع طبیعی تجدیدشونده پیوسته به‌منزله زیربنای توسعه اقتصادی- اجتماعی نقش اساسی را داشته، اگرچه در این رهگذر هیچ‌گاه قدر و منزلت آن مورد توجه قرار نگرفته است (Ebrahimipour, 1999). در حقیقت امروزه در کشور ما منابع طبیعی تجدیدشونده به سبب اثرات مستقیم و غیرمستقیم خود مهم‌ترین عامل در امر توسعه اقتصادی- اجتماعی کشور بوده و استفاده مطلوب از آن می‌تواند ضامن ماندگاری و توسعه پایدار بوده و عدم توجه به آن می‌تواند بالقوه متضمن مسائلی باشد که مجموعه برنامه‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی فرهنگی کشور با مخاطره جدی روبرو سازد (Department of Natural Resources and Watershed Management of Semnan, 2010). بسیاری از برنامه‌های مدیریت مشارکتی منابع طبیعی، به دلیل توجه ناکافی به خصوصیات و موقعیت ذی‌نفعان در شبکه روابط اجتماعی آن‌ها، با شکست مواجه شده است. تشخیص کنشگران یا افراد کلیدی یکی از الزامات اجرایی نمودن برنامه عمل مدیریت مشارکتی منابع طبیعی است (Ghorbani and Dehbozorgi, 2013). این امر زمانی اهمیت خود را به‌خوبی نمایان می‌سازد که به وضعیت جغرافیایی کشور که بیش از ۸۰ درصد آن در قلمرو مناطق خشک و نیمه‌خشک قرار گرفته و نیز ساختارهای اقتصادی- اجتماعی، الگوهای پراکنش جمعیت و نظام‌های شکل‌گیری سکونت‌های انسانی در نقاط مختلف کشور توجه شود (Malek Hosseini, 2010). مشارکت سنتی در ایران ریشه در تاریخ و فرهنگ غنی چندین هزارساله داشته که در اثر تغییرات و تحولات مختلف متکامل شده و تا اصلاحات ارضی تداوم یافته بود به‌طور کلی مشارکت سنتی برخاسته از آداب و رسوم و دین و فرهنگ اجتماعی یک جامعه است (Engineering consultants of Iran, 2006). مردم برای مشارکت در فعالیت‌های که در منافع آن سهیم اند، از آمادگی و توانایی بیشتری برخوردارند و علاقه و ظرفیت آن‌ها با مشارکت در تصمیم‌گیری افزایش می‌یابد (Dwyer et al., 2009). نقش مشارکتی جوامع محلی برای تسهیل روند تصمیم‌گیری غیر متمرکز اساسی بوده و طبق نظر برنامه ریزان، موفقیت مشارکت جامعه و سازمان محلی بستگی به درک کارکرد نظام اجتماعی- اقتصادی و قابلیت یکپارچه کردن عناصر انسانی به صورت فردی و جمعی در سطح محلی دارد (Rashid Pour and Faraj, 2007). (Allah Hosseini, 2007).

از نقش‌های مختلفی که سازمان‌های بنیادی مبتنی بر جامعه محلی ایفا می‌کند، می‌توان به ایجاد فرآیند تصمیم‌گیری، فراهم آوردن اعضا، بهبود وضعیت اقتصادی، تشویق توانمندی‌های جامعه و خدمت‌رسانی دارند به عنوان کانالی برای سازماندهی جامعه محلی دارای یک نقش ضروری می‌باشند (Welch-Devine, 2008).

(Pareto & Lingo, 2012) معتقدند که توانمندی کلید موفقیت و پایداری طرح‌های توسعه در عرصه‌های منابع طبیعی است. توانمندسازی، اصلی اساسی در توسعه مشارکتی تلقی می‌شود و بدون توجه به این مقوله نمی‌توان شاخص‌های رشد و توسعه را از طریق توانمندسازی جوامع محلی در زمینه‌های مختلف دست یافت؛ لذا برای توسعه پایدار و پیشرفت مناطق محلی باید به توانمندی‌ها، استعدادها و قابلیت‌های این جوامع و بهره‌گیری از منابع طبیعی، اجتماعی و تکنولوژی پیشرفته اهتمام ویژه‌ای شود (Rastin et al., 2014). توانمندسازی جوامع محلی یکی از مهم‌ترین بخش‌های طرح‌های مشارکتی در مدیریت منابع طبیعی به شمار می‌رود (Emami et al., 2017).

محققین زیادی در تحقیقات و مطالعات شان به نقش مشارکت و توانمندی جوامع محلی در پیشبرد اهداف طرحها و پروژه ها اشاره کرده اند که به اختصار به مهمترین آنها در داخل و خارج از کشور اشاره می شود. تحقیقات (Babu and Reidhead, 2000) نشان داد که نظارت دوره‌ای بر منابع طبیعی موجب اثربخشی آن می‌شود؛ این نوع نظارت باعث افزایش اثرات سیاست‌ها و برنامه‌ها در پایداری منابع طبیعی شده و به شاخص‌های ارزشیابی منابع طبیعی دسترسی پیدا می‌کنیم و در نهایت یک بازخورد مناسب جهت بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی ذینفعان فراهم می‌آورد. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که اثربخشی طرح‌ها و پروژه‌های توانمند سازی و مشارکت جوامع محلی در منابع طبیعی، در میان‌مدت و بلندمدت موجبات کاهش فقر و امنیت منابع را فراهم می‌آورد (Schandel & West, 2010).

(Joneson et al, 2003) بر این نکته تاکید نمودند که روش‌های مشارکتی در مدیریت منابع طبیعی از اثربخشی بیشتری برخوردار هستند. در همین راستا نتایج (keen & pullin, 2011) نشان داد برای دستیابی به اثربخشی مدیریت محیط‌زیست و منابع طبیعی لازم است برنامه‌های ارزشیابی، مدیریت سازگار، دیدگاه نظام‌مند و روش‌های مشارکتی پیاده شود. (Shafaghati cherdow, 2005) گزارش نمود مردم می‌توانند بسیاری از فعالیت‌های حفظ و نگهداری منابع طبیعی کشور را انجام دهند، اما آنچه مسلم است مشارکت مردم به‌خودی‌خود صورت نمی‌گیرد مگر اینکه مسئولان منابع طبیعی کشور به مشارکت مردم به‌عنوان یک رکن اساسی در توسعه منابع طبیعی اعتقاد داشته باشند و زمینه مشارکت مردم در هر طرحی به‌وضوح مشخص گردد، پس ضروری است ابتدا بررسی‌های جامعی پیرامون و نحوه مشارکت مردم انجام شود، سپس از روش‌های مختلفی برای مشارکت آن‌ها بهره‌گیریم. بر اساس مطالعات (Parsa Rauf, 2014)، ارتباط معنا داری میان توانمند سازی جوامع محلی و توسعه پایدار وجود دارد. مطالعات (Hudson, 1991) که با تجزیه و تحلیل سه مورد از پروژه‌های توسعه روستایی در غنا، نپال، مکزیک، دریافت که پروژه‌ها به دلیل کم‌توجهی به دانش بومی روستاییان، کم‌اهمیت شمردن مشارکت عمومی و وابستگی مفرط به برنامه‌ریزی متمرکز و غیر مشارکتی، در فرآیند اجرا با موانع جدی روبه‌رو شده‌اند.

براساس نتایج مطالعات (Akbarpour, 2015)، روستاییان در گرایش به فعالیت‌های کار آفرینانه بیشتر با گرایش به تامین امیال و برداشت‌های فردی خود علاقه داشته‌اند. مطالعات (Ali Pour et al. 2009) نیز نشان داد که مشارکت مردم در پروژه‌های بذرپاشی و نهال‌کاری با توجه به سود سرشار حاصل از پرورش درختان مثمر بالا بوده است؛ پروژه‌هایی مانند علوفه‌کاری و حفاظت و قرق و کشت نواری به دلیل هزینه بالا برای محصور کردن زمین و نیز اختصاص زمین‌هایی که مایحتاج غذایی خانوار از آن تأمین می‌شد به این کار، از مشارکت پایین برخوردار بوده است.

براساس مطالعات (Yavari et al. 2005)، میزان محصولات زراعی بعد از اجرای طرح مشارکت و توانمند سازی جوامع محلی، تولید محصولات زراعی افزایش زیادی داشته است و وضعیت ماندگاری بعد از اجرای پروژه‌ها در روستا به دلیل افزایش آب و ... داشته است.

(Baqaei et al. 2005) گزارش کردند که طرح‌ها و برنامه‌های آبخیزداری به‌تنهایی قادر به جلوگیری از فرسایش نخواهد بود و نیازمند مشارکت گسترده ساکنان حوزه‌های آبخیز است به‌طوری‌که عدم مشارکت روستائیان در امر حفظ نگهداری و اجرای طرح‌ها هزینه‌های زیادی را صرف اجرای طرح‌های آبخیزداری می‌کند و ثمره دیگری ندارد؛ در بررسی یافته‌های حاصل مشخص شد وضع قوانین آسان‌تر جهت گرفتن وام از سوی دولت مهم‌ترین عامل تاثیر گذار در مشارکت به شمار می‌رود. (Saharovat et al. 2010) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که فعالیت‌های مشارکتی آبخیزداری باعث بهبود کیفیت منابع آب‌و خاک در بلندمدت می‌شود. نتایج تحقیقات (Khan and Ali 2016)، که به بررسی توانمندی اجتماعی و اقتصادی زنان در گلگ- بلتستان در کشور پاکستان پرداخته اند، نشان داد بالا بردن توانایی‌ها زنان در ابعاد مختلف می‌تواند جوامع محلی را به توسعه پایدار نزدیک نماید؛ ایشان توانمندی زنان در بعد اجتماعی را مهم‌تر از سایر ابعاد دانسته‌اند.

براساس مطالعات (Emami et al., 2016) اجرای پروژه ترسیب کربن در شناسایی و رفع مشکلات، نشان داد که مشارکت حداکثری و کار گروهی در بین جوامع محلی، بالا بردن میزان مسئولیت‌پذیری نسبت به حفاظت از جنگل‌ها و مراتع و همچنین در افزایش امید به آینده‌ای بهتر در منطقه، بیشترین تاثیر را داشته است. درعین حال، افراد مورد مطالعه معتقد بودند که اجرای پروژه ترسیب کربن کمترین تاثیر را در بالا بردن توان مالی و اقتصادی مردم گذاشته است.

نتایج تحقیقات (Park & Kim, 2014) که به بررسی تاثیر مشارکت جامعه محلی در توانمندی آنها در استرالیای جنوبی پرداخته‌اند، نشان می‌دهد که افزایش مشارکت در جامعه محلی می‌تواند در توانمندی جوامع محلی تاثیر پایداری داشته باشد؛ ضمن اینکه یافته‌ها گویای آن بود که بعد روانی و اجتماعی نسبت به بعد اقتصادی تاثیر قابل توجهی در توانمندی افراد داشته است.

(Shariati et al. 2005) با بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت روستائیان جنگل نشین به این نتیجه رسیدند که باید زمینه‌ای فراهم گردد که روستائیان از نعمت سواد بهره‌مند گردند زیرا در زمینه‌یابی برای تشکیل تعاونی‌های، مشارکت و توانمندی روستایان ضروری است. همچنین تحقیقات (Saadi et al. 2012) نشان از آن دارد که متغیرهای رضایت از شغل، توانمندی اقتصادی، سطح دانش و میزان تحصیلات، با میزان توانمندی افراد نقش اساسی داشته است.

با توجه به بررسی واکاوی نتایج تحقیقات و مطالعات مختلف انجام گرفته در داخل و خارج از کشور، شاخص توانمندی با ابعاد متنوعی موردسنجش و ارزیابی قرار گرفته است. در تحقیق حاضر که بر روی تاثیر اجرای پروژه‌های توانمندسازی جوامع محلی در مدیریت پایدار منابع طبیعی صورت گرفته است، جهت سنجش شاخص توانمندی، ابتدا با مروری بر پیشینه تحقیق و مطالعات انجام گرفته در زمینه توانمندی و همچنین مصاحبه‌های با کارشناسان منابع طبیعی و جوامع محلی به صورت فردی و گروهی، مهمترین ابعاد مختلف توانمندی جوامع محلی استخراج شد. با ادامه بررسی منابع و همچنین مصاحبه‌های حضوری گویه‌های سنجش هر یک از ابعاد تعیین گشت. این امر تا آنجا ادامه پیدا کرد که محقق با سؤالات و عبارات تکراری مواجه شد. درنهایت، با کنار هم گذاشتن تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیقاتی و همچنین مصاحبه‌ها، فهرستی از شاخص‌ها و گویه‌های موردسنجش توانمندی تهیه گردید و بعد از

جمع بندی آنها، سه بعد اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و فنی، برای ارزیابی توانمندی جوامع محلی در اثر اجرای پروژه مورد استفاده قرار گرفته است.

مواد و روش‌ها

در این پژوهش نقش توانمندسازی جوامع محلی در مدیریت پایدار منابع طبیعی حوزه رامة شهرستان آرادان واقع در استان سمنان مورد توجه قرار گرفت. استان سمنان یکی از استان‌های کشور ایران است. مرکز و پرجمعیت‌ترین شهر این استان، شهر سمنان است. مساحت این استان برابر با ۹۷،۴۹۱ کیلومتر مربع که ۵،۹ درصد مساحت کل کشور را شامل می‌شود. این استان از نظر مساحت ششمین استان ایران است. استان از جانب شمال به استان‌های خراسان شمالی، گلستان و مازندران، از جنوب به استان‌های اصفهان و یزد، از مشرق به استان خراسان رضوی و از مغرب به استان‌های تهران و قم محدود است. استان سمنان به خاطر موقعیت جغرافیایی، اقلیم بیابانی و نیمه بیابانی و محدودیت‌های آب و خاک، از موقعیت کشاورزی مطلوبی برخوردار نیست. تنها دو درصد از کل مساحت استان زیر کشت آبی و دیم است. عمده‌ترین محصولات این استان را گندم، جو، سیب زمینی، پنبه، یونجه، اسپرس، شبدر و چغندر قند و پسته تشکیل می‌دهند. از لحاظ دامداری این منطقه به علت دارا بودن مراتع از وضعیت نسبتاً خوبی برخوردار است. استان سمنان با ۵۰۵ میلیون هکتار مرتع و ۲۰۵ میلیون واحد دامی یکی از قطب‌های دامپروری کشور به‌شمار می‌آید. استان از مراکز قابل توجه صنایع دستی و از قطب‌های صنعتی کشور به‌شمار می‌رود. در این استان انواع صنایع دستی نظیر قالی بافی، گلیم بافی، نمد مالی، سرامیک و سفال سازی و ... وجود دارد.

شهرستان آرادان یکی از شهرستان‌های استان سمنان که از غرب به شهرستان گرمسار و از شرق به شهرستان سرخه و از شمال به استان تهران محدود می‌شود. مردم این شهرستان به زبان‌های طبری الیکایی و فارسی سخن می‌گویند. مرکز این شهرستان شهر آرادان است و شامل ۲ بخش و ۴ دهستان است. این شهرستان قبلاً در شهرستان گرمسار قرار داشت و در مجموع شامل بخش مرکزی با توابع دهستان یاتری و دهستان حسین‌آباد کردها و بخش کهن‌آباد با توابع دهستان کهن‌آباد و دهستان فروان، در ۱۰ دیماه ۱۳۹۰ توسط هیئت وزیران تصویب و ابلاغ شد.

حوزه رامة در استان سمنان و در شمال شهرستان آرادان قرار داشته و به‌عنوان مراتع بیلاقی مورد استفاده مرتع‌داران این شهرستان قرار می‌گیرد. مراتع قشلاقی این بهره‌برداران در جنوب شهرستان آرادان در حاشیه کویر آرادان و ده نمک قرار دارد. منطقه مورد مطالعه بین طول‌های جغرافیایی ۵۲ درجه و ۳۷ دقیقه تا ۵۲ درجه و ۴۸ دقیقه شرقی و عرض‌های جغرافیایی ۳۵ درجه و ۲۱ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۳۳ دقیقه شمالی قرار دارد (شکل ۱). این حوزه دارای چهار روستا بنام‌های چهارطاق بالا، قالیباف، رامة بالا و رامة پایین است. ارتفاع متوسط حوزه از سطح دریا ۲۲۶۰ متری باشد. تپ واحد اراضی در زیر حوزه کوهستانی است.

پژوهش حاضر، در دو بخش مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی به انجام رسیده است. اطلاعات میدانی مورد نیاز پژوهشی در دو بخش کمی و کیفی به کمک مشاهدات میدانی و گردش در روستاها، پرسشنامه و مصاحبه جمع‌آوری گردید. روایی صوری محتوایی پرسشنامه به کمک ۲۰ نفر از اساتید و متخصصین و تعدادی از اعضا شورای اسلامی روستاهای محدوده پژوهش بررسی و اصلاحات پیشنهادی انجام شد. تعداد ۴۰ پرسش بر

اساس طیف پنج ارزشی لیکرت (از خیلی کم: ۱ تا خیلی زیاد: ۵) تنظیم شد. به منظور آماده‌سازی داده‌ها برای تجزیه و تحلیل و آزمون‌های آماری اقدام به پردازش داده‌ها توسط نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۰ و Excel 2012 شد. در این مرحله به ویرایش داده‌ها و کدگذاری آن‌ها پرداخته شد و تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی انجام شد است.

در بخش کیفی این پژوهش از متدولوژی نرم استفاده شده و پس از جمع‌آوری اطلاعات از طریق مصاحبه، مشاهده و حضور در مراتع حوزه رامه برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های تحلیل محتوا و نقشه‌های ذهنی استفاده شد. منظور از روش تحلیل محتوا آن است که بتوان بر اساس آن، خصوصیات یک متن گفته یا نوشته شده را به‌طور واقع‌بینانه یا عینی و به‌طور سامانمند شناخت و از آن‌ها نیز استنتاج‌هایی درباره مسئله بیان نمود (Sarmed et al., 2001).

برای سنجش پایای پرسشنامه‌ها از روش آلفای کرونباخ استفاده شد و با انجام پیش آزمون، با تعداد ۳۰ پرسشنامه، میزان آلفای کرونباخ، در حوزه رامه ۰/۸ به دست آمده که نشانگر پایایی ابزار سنجش پژوهش بود. در این پژوهش جامعه آماری موردنظر کلیه مرتع‌داران ذینفع در مراتع حوزه رامه بودن که به‌صورت فعال به دامداری مشغول هستند. این بهره‌برداران علاوه بر عضویت در تشکل محلی شکل گرفته در حوزه، در مدیریت مرتع مشارکت داشته‌اند؛ اما نمونه‌گیری به‌صورت تصادفی سامانمند بوده است. به این معنا که در هر سامان به نسبت بهره‌برداران به‌طور تصادفی از بین ذینفعان نمونه‌ها انتخاب می‌شوند. جامعه پژوهش شامل بهره‌برداران مراتع حوزه رامه با فراوانی ۸۵ نفر بود. بهره‌برداران مرتع، به عنوان نمونه آماری در منطقه انتخاب و به کمک فرمول کوکران تعداد نمونه لازم ۷۰ عدد محاسبه گردید.

در این پژوهش اثرات اقتصادی، اجتماعی و فنی پروژه‌های مشارکتی به‌عنوان متغیر تحقیق مدنظر قرار گرفت.

الف) متغیرهای اقتصادی

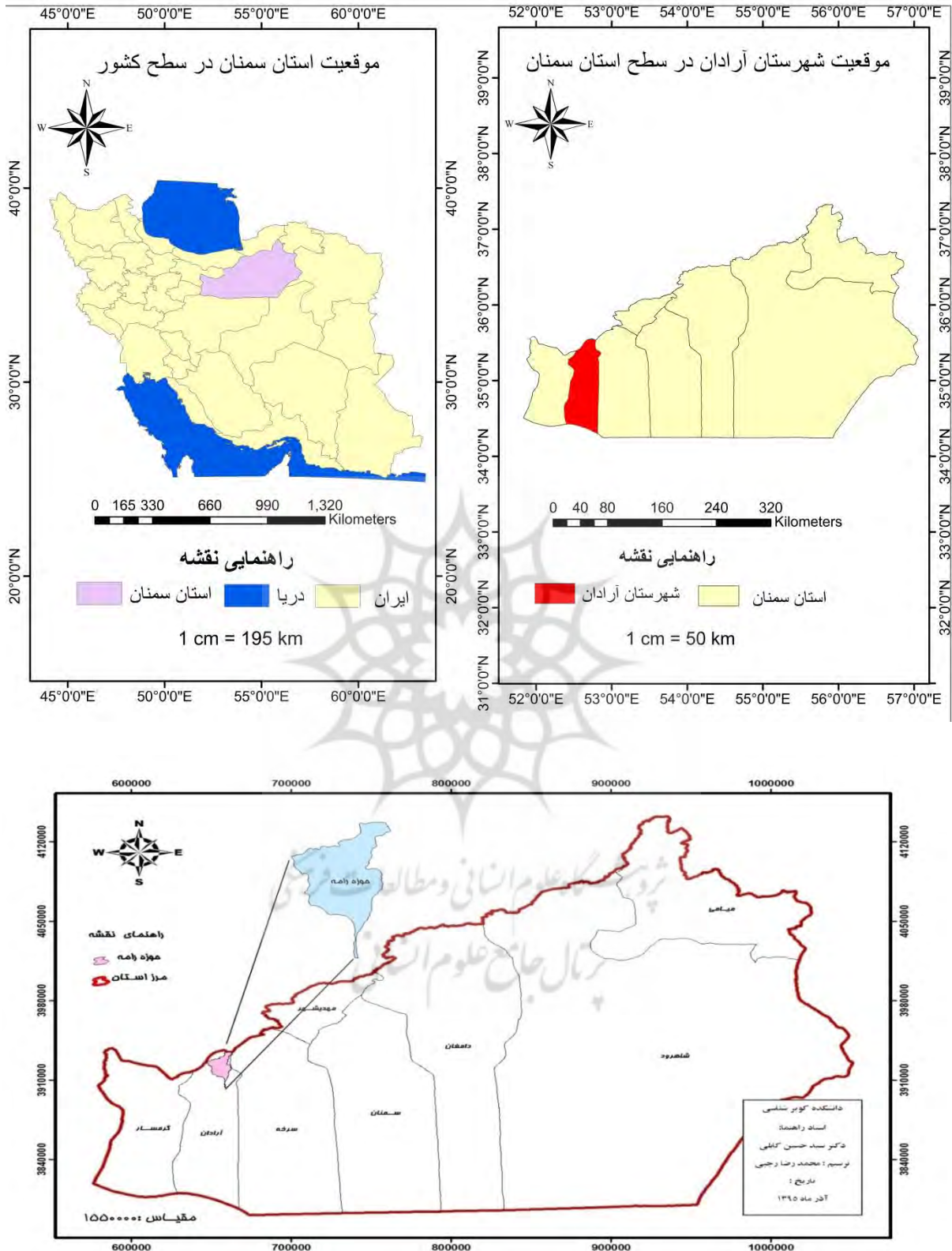
متغیرهای اقتصادی از ۵ مؤلفه تشکیل شده است که به تفکیک هر معیار و هر گویه تقسیم و طبقه‌بندی شده است.

ب) متغیرهای اجتماعی

متغیرهای اجتماعی از ۴ مؤلفه تشکیل شده است که به تفکیک هر معیار و هر گویه تقسیم و طبقه‌بندی شده است.

ج) متغیرهای فنی

متغیرهای فنی از ۲ مؤلفه تشکیل شده است که به تفکیک هر معیار و هر گویه تقسیم و طبقه‌بندی شده است (جدول



شکل ۱: موقعیت حوزه رامه در سطح استان سمنان و کشور

Source: Research findings

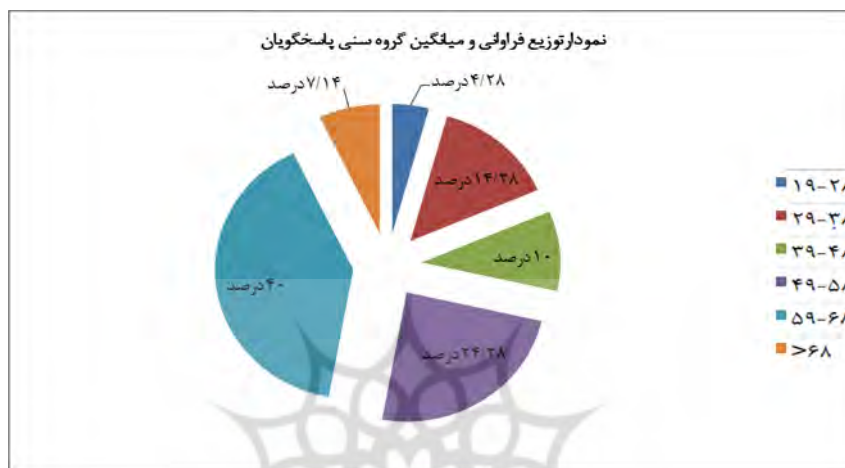
جدول ۱: متغیرهای اقتصادی-اجتماعی و فنی حاصل از اجرای پروژه

ابعاد	مؤلفه	معیار	گویه‌ها
اقتصاد خانوار		۱- ایجاد مشاغل جدید	۱- کاهش یا افزایش گرایش ساکنان به بهره‌برداری از محصولات فرعی
		۲- تغییرات تعداد دام	۲- کاهش یا افزایش گرایش ساکنان به پرورش زنبور عسل
		۳- روند مهاجرت	۱- اثر اجرای طرح بر کاهش یا افزایش دام‌مازاد در مراتع
		۴- درآمد	۲- کاهش یا افزایش دام در مرتع با اجرای طرح
		۵- مشارکت مردمی	۱- افزایش یا کاهش مهاجرت معکوس با اجرای طرح
اقتصادی	وضعیت منابع طبیعی به عنوان مهمترین عوامل اثرگذار بر اقتصاد خانوار، در اثر اجرای پروژه	۱- پوشش گیاهی	۱- افزایش یا کاهش پوشش گیاهی با اجرای طرح و به تبع آن افزایش یا کاهش نیاز خرید علوفه
		۲- کاهش خسارت	۲- افزایش و کاهش فرسایش خاک با اجرای طرح و به تبع آن افزایش یا کاهش پوشش گیاهی
		۱- رونق صنایع دستی	۱- جلوگیری از تخریب مناطق طبیعی با اجرای طرح
		۲- بهبود وضعیت گردشگری منطقه	۲- کاهش خسارت سیل با اجرای طرح
		بهبود سطح زندگی خانوار	۱- با اجرای طرح صنایع دستی کاهش یا افزایش یافته
اجتماعی	تعامل اطلاع‌رسانی و کمک‌های ساکنین به مسئولین اثرات اجرای طرح	۱- میزان تعامل و آگاهی‌رسانی و مذاکره ساکنین	۱- تأثیر اجرای پروژه بر تعداد گردشگران
		۲- بهبود وضعیت زندگی خانوار	۱- تأثیر طرح بر اقتصاد مردم
		بهبود وضعیت منابع آب با اجرای طرح	۲- بهبود وضعیت زندگی با اجرای طرح
		میزان همکاری در اجرا و پایداری طرح	۱- استفاده بهینه از آب با اجرای طرح
		۱- اثرات پروژه بر فرهنگ اداب و رسوم	۲- اثر مثبت عملیات آبخیزداری بر آب‌های زیرزمینی
فنی	وضعیت رضایت‌مندی از اجرای پروژه اثرات فنی پروژه بر ساکنین و اجرای پروژه اثرات فنی پروژه	۱. میزان رضایت بهره‌برداران و اعتماد مردم به مسئولان	۱- اعمال نظر بهره‌برداران در انجام پروژه
		شرکت در جلسات	۲- اهمیت دادن به نظر بهره‌برداران
		شرکت در جلسات و اجرای پروژه	۳- نقش بهره‌برداران در اجرای پروژه
		۱- نقش بهره‌برداران و بسته‌های حمایتی	۱- رسیدن به اهداف طرح
		۲- بر میزان مشارکت گروه‌های محلی	۲- نظر بهره‌برداران برای ادامه طرح
			۳- مشارکت مردم در مراحل برنامه‌ریزی، اجرا و پایش
			۴- نقش توانمندی مردم، در پایداری تشکل‌ها
			۱- اثرات مثبت و منفی بر فرهنگ و اداب مردم ساکن حوزه
			۱- شرکت در جلسات توانمندسازی
			۲- شرکت در جلسات تصمیم‌گیری
			۳- شرکت در ارزیابی و بازنگری طرح
			۱- نقش بهره‌برداران در حفاظت پروژه‌ها
			۲- نقش بسته‌های حمایتی در افزایش مشارکت
			۳- نقش تشکل‌های محلی در مدیریت منابع طبیعی
			۱- مشارکت در بهره‌برداری از طرح
			۲- بالا رفتن میزان مشارکت با گروه‌های محلی

Source: Research findings

نتایج

میانگین سنی بهره‌برداران ۴۳ سال است؛ این عامل گویای آن است که قشر میان‌سال اکثراً به‌عنوان بهره‌بردار در منطقه مورد بررسی حضور دارند. با توجه به شرایط پیش‌آمده در شهرها و رفاہ ایجادشده، جوانان حرفه دآمداری را رها کرده و کمتر به آن پرداخته‌اند و به شهرها اطراف مهاجرت کرده‌اند. کمترین حضور در طبقه سنی ۱۹-۲۸ سال با میزان ۴/۲۸ درصد است و بیشترین حضور در طبقه بالای ۵۹-۶۸ سال و برابر ۴۰٪ است. حداقل سن پاسخگویان ۱۹ سال و حداکثر آن ۷۳ سال است (نمودار ۱).



نمودار ۱: توزیع فراوانی و میانگین گروه سنی پاسخگویان

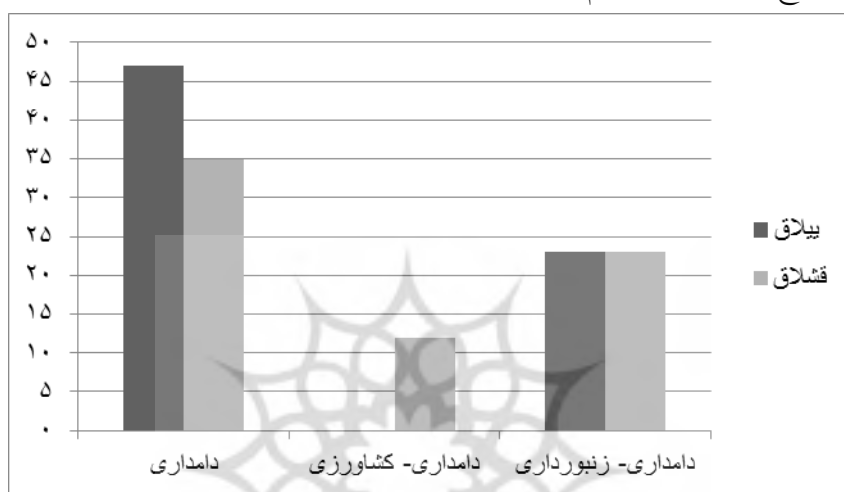
Source: Research findings

شغل اصلی این ساکنین چه در فصل قشلاق و چه در بیلاق به ترتیب با ۵۰ و ۶۷/۱۴ درصد، دآمداری و مرتعداری بوده و کمترین توزیع فراوانی مربوط به شغل کشاورزی - دآمداری با فراوانی ۲۳ خانوار و ۱۷/۱۴ درصد در سکونت‌گاه‌های قشلاقی بوده است که این ساکنان زمانی که در فصل زمستان به مناطق گرمسیر حاشیه کویر می‌روند اقدام به کشت گندم و جو برای رفع بخشی از نیازهای خود می‌کنند (نمودار ۲). از زمان اجرای طرح‌های مشارکتی پرورش زنبور در بین این ساکنین با استقبال آن‌ها روبرو شد است و هم‌اکنون بخشی از اقتصاد خانوارها به شمار می‌رود و تا حدی رونق یافته که موجب ایجاد تعاونی‌های زنبورداری در بین این ساکنین شده است.

منبع اصلی درآمد این ساکنین بیشتر از طریق دآمداری تأمین می‌شود؛ میزان درآمد ناشی از این شغل در بین کل جامعه آماری ۱۷۱۵/۵ میلیون تومان است که هر خانوار به‌صورت میانگین ۲۴/۵ میلیون تومان سالانه درآمد دارند؛ و با اجرای این پروژه منبع درآمدی ناشی از زنبورداری که سالانه ۱۴۶۷/۵ میلیون تومان برای این ساکنین ایجاد درآمد می‌کند موجب تقویت اقتصاد خانوارهای زنبوردار به‌صورت میانگین سالانه ۶/۳۶ میلیون تومان برای هر خانوار ایجاد درآمد می‌کند. میزان درآمد در شغل‌های به ترتیب از ۳۵ و ۱۲ میلیون تومان در نمونه آماری مورد مطالعه است. میانگین کل درآمد هر خانوار از ۲۴/۵ میلیون تومان به ۲۷/۲۷ میلیون تومان رسیده که ناشی از ایجاد شغل زنبورداری و برداشت گیاهان دارویی از جمله باریجه در بین این ساکنین است (نمودار ۳).

به منظور دستیابی به نتایج روشن‌تر، ابتدا نگرش سنجی ساکنان و سپس تحلیل عاملی که برای خلاصه کردن متغیرها صورت گرفته است ارائه شد. در راستای دستیابی به هدف‌های تحقیق، مقایسه نگرش بهره‌برداران مراتع

حوزه رame، متغیرهای از نوع اقتصادی، اجتماعی و فنی در طیف لیکرت با ۵ سطح خیلی کم تا خیلی زیاد مقایسه شده است (جدول ۲). در ارائه گویه‌ها، ابتدا مقایسه نگرش ساکنان در رابطه با اثرات اقتصادی پروژه را بر بهره برداران حوزه رame را می‌سنجد (جدول ۳). بر اساس نتایج، نگرش ساکنان در ارتباط با گویه‌های اقتصادی پروژه بر بهره برداران حوزه رame، تاثیر قابل توجهی بعد از اجرا شدن پروژه را نشان می‌دهد. نتایج اغلب گویه‌ها به استثنای تغییر تعداد دام در مرتع در اثر اجرای طرح، بیانگر این واقعیت بود که پس از اجرایی پروژه توانمندسازی، شرایط اقتصادی بهره برداران حوزه رame بهبود پیدا کرده است. تنها نتیجه یک گویه خارج از روال یاد شده قرار داشت. بر اساس نتایج، اجرای طرح نتوانسته تعداد دام حوزه را چندان کاهش دهد.



نمودار ۲: مشاغل اصلی Source: Research findings



نمودار ۳: ترکیب اقتصادی خانوارهای حوزه Source: Research findings

در دومین گروه گویه‌ها، اثرات اجتماعی، میزان رضایت ساکنین از نحوه برخورد مسئولین پروژه و رفتار آن‌ها و نقش تشکلهای مردمی ایجادشده را می‌سنجیده شد (جدول ۴). نگرش ساکنان در مورد دومین گروه از گویه‌ها در تمامی موارد نشان از تاثیر اجرای این پروژه بر بهره برداران است؛ به خصوص اجرای این پروژه توانسته مشارکت مردم و اعتماد به مسئولین اجرای پروژه را جلب کرده و از طرفی با توانمندی اقتصادی مردم در اثر اجرایی پروژه پایدار تشکلهای را تضمین کرد است.

سومین گروه از گویه ها اثرات فنی این پروژه بر میزان مشارکت و نقش بهره‌برداران در اجرای پروژه می‌سنجد (جدول ۵). نگرش ساکنان در مورد سومین گروه از گویه ها از جمله نقش تشکل‌های محلی در مدیریت منابع طبیعی، بالا رفتن میزان مشارکت با گروه‌های محلی و نقش مشارکت مردم در حفاظت از منابع طبیعی زیاد ارزیابی شده است.

نتایج آزمون کی.ام.او^۱ نشانگر مناسب بودن داده ها برای تحلیل عاملی بود (جدول ۶). نتایج آزمون در حوزه رانم، برابر با ۰/۷۲۹ بود که بزرگ تر از ۰/۷ و مقدار بارتلت آن کمتر از ۰/۰۵ است که نشان داد تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار مدل عاملی، مناسب است؛ در تحلیل عاملی در سنجش دیدگاه ساکنان نسبت به اجرای پروژه های توانمند سازی جوامع محلی، ابتدا ۴۰ متغیر وجود داشت که به ۸ عامل رسید با توجه به ارتباط بین متغیرها و نظر محققان و با استفاده از مبانی نظری، مولفه ها نام گذاری گردید. عوامل نامگذاری شده و میزان واریانس تبیین شده آن ها برای نگرش ساکنان نسبت به تاثیر پروژه های توانمندسازی جوامع محلی در مدیریت پایدار منابع طبیعی محاسبه شد.

جدول ۲: طبقه‌بندی مقیاس‌ها

مقیاس	امتیاز
خیلی کم	۱- ۱/۴۹
کم	۲/۲۹- ۱/۵
متوسط	۳/۴۹- ۲/۵
زیاد	۴/۴۹- ۳/۵
خیلی زیاد	۵- ۴/۵

Source: Research findings

جدول ۳: سنجش نگرش بهره‌برداران در رابطه با اثرات اقتصادی پروژه

عنوان سؤال	نتایج طیف لیکرت					میانگین	نگرش
	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد		
افزایش مهاجرت معکوس با اجرای طرح	۱۲	۲	۲۶	۲۲	۸	۳/۱۷	متوسط
افزایش گردشگری با اجرای طرح	۰	۱۵	۲۷	۲۱	۷	۳/۳۹	متوسط
افزایش درآمد مردم با اجرای طرح	۰	۱۵	۴۲	۱۳	۰	۲/۹۷	متوسط
افزایش درآمد معیشت‌های جایگزین	۱	۷	۴۷	۱۵	۰	۳/۰۹	متوسط
پایداری درآمد از محل اجرای طرح	۱	۱۳	۳۵	۱۴	۷	۳/۱۹	متوسط
تاثیر طرح بر اقتصاد مردم	۱	۱۳	۴۱	۱۲	۳	۳/۰۴	متوسط
میزان مشارکت مردم به‌صورت مالی	۱۱	۱۳	۳۷	۵	۳	۲/۹۶	متوسط
افزایش درآمد از مشاغل جایگزین	۸	۷	۳۸	۱۶	۱	۲/۹۳	متوسط
بهبود وضعیت زندگی با اجرای طرح	۱	۷	۴۴	۱۵	۳	۳/۱۷	متوسط
نقش بهبود وضع اقتصادی درافزایش مشارکت	۱	۴	۳۶	۲۱	۸	۳/۴۶	متوسط
رونق صنایع دستی با اجرای طرح	۳	۲	۳۶	۲۱	۸	۳/۴۴	متوسط
افزایش پوشش گیاهی با اجرای طرح	۰	۲	۳۶	۱۹	۱۳	۳/۶۱	زیاد
کاهش فرسایش خاک با اجرای طرح	۰	۳	۳۲	۲۳	۱۲	۳/۶۳	زیاد
جلوگیری از تخریب منابع طبیعی با اجرای طرح	۰	۱۲	۲۴	۲۱	۱۳	۳/۵۰	زیاد
کاهش خسارات سیل با اجرای طرح	۰	۵	۳۲	۲۲	۱۱	۳/۵۶	زیاد
بهره‌برداری اصولی محصولات فرعی با اجرای طرح	۶	۷	۲۹	۲۱	۷	۳/۲۳	متوسط
استفاده بهینه از آب با اجرای طرح	۵	۶	۲۰	۳۳	۶	۳/۴۱	متوسط
اثر مثبت عملیات آبخیزداری بر آب‌های زیرزمینی	۴	۲	۲۶	۳۴	۴	۳/۴۶	متوسط
تغییر تعداد دام در مرتع با اجرای طرح	۱۴	۴۲	۶	۲	۵	۲/۱۹	کم
اثر اجرای طرح بر کاهش دام مازاد در مراتع	۱	۶	۵۱	۱۱	۱	۳/۰۷	متوسط

Source: Research findings

¹ Kaiser-Meyer-Olkin (KMO)

جدول ۴: سنجش نگرش بهره برداران در رابطه با اثرات اجتماعی و نقش تشکلهای مردمی ایجادشده

عنوان سؤال	نتایج طیف لیکرت					میانگین	نگرش
	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد		
اعمال نظرات بهره‌برداران در انجام پروژه	۳	۲۳	۲۹	۱۳	۲	۲/۸۳	متوسط
اهمیت دادن به نظر بهره‌برداران	۴	۲۶	۱۹	۱۸	۳	۲/۸۶	متوسط
نقش بهره‌برداران در اجرای پروژه	۳	۱۴	۳۳	۱۸	۲	۳/۰۳	متوسط
رسیدن به اهداف طرح	۳	۲۲	۲۲	۱۴	۹	۳/۰۶	متوسط
نظر بهره‌برداران برای ادامه طرح	۲	۷	۲۷	۲۲	۱۲	۳/۵۰	زیاد
رضایتمندی بهره‌برداران از بخش دولتی	۱	۱۱	۱۹	۳۱	۸	۳/۴۹	متوسط
مشارکت مردم در برنامه‌ریزی، اجرا و پایش	۰	۱	۱۶	۳۹	۱۴	۳/۹۸	زیاد
نقش توانمندی مردم در پایداری تشکلهای	۶	۳	۹	۳۵	۱۷	۳/۷۷	زیاد
افزایش اعتماد مردم به مسئولان	۳	۰	۲۰	۴۰	۷	۳/۱۹	زیاد
اثر مثبت بر فرهنگ و آداب مردم	۱	۹	۴۱	۱۵	۴	۳/۱۷	متوسط

Source: Research findings

جدول ۵: سنجش نگرش در رابطه با تأثیرات فنی پروژه بر میزان مشارکت و نقش بهره‌برداران در اجرای پروژه سنجش نگرش بهره برداران بر مشارکت و نقش

بهره‌برداران در بخش فنی پروژه

عنوان سؤال	نتایج آزمون طیف لیکرت					میانگین	نگرش
	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد		
شرکت در جلسات توانمندسازی	۶	۱۶	۲۹	۱۷	۲	۲/۹۰	متوسط
مشارکت در تصمیم‌گیری	۴	۱۳	۳۲	۲۰	۱	۳/۰۱	متوسط
نقش بهره‌برداران در حفاظت پروژهها	۱	۸	۳۱	۲۱	۹	۳/۴۱	متوسط
شرکت در ارزیابی و بازنگری طرح	۱۰	۱۵	۲۸	۱۲	۵	۲/۸۱	متوسط
مشارکت در بهره‌برداری از طرح	۴	۱۲	۲۷	۱۸	۹	۳/۲۳	متوسط
نقش بسته‌های حمایتی در افزایش مشارکت	۳	۹	۲۶	۲۷	۵	۳/۳۱	متوسط
نقش تشکلهای محلی در مدیریت منابع طبیعی	۳	۳	۹	۳۴	۲۱	۳/۹۶	زیاد
بالا رفتن میزان مشارکت با گروه‌های محلی	۰	۶	۱۳	۳۰	۲۱	۳/۹۴	زیاد
نقش مشارکت مردم در حفاظت از منابع طبیعی	۳	۳	۱۰	۳۹	۱۴	۳/۸۶	زیاد
کاهش اختلافات بهره‌برداران مراتع	۲	۱۰	۲۳	۲۴	۱۱	۳/۴۶	متوسط

Source: Research findings

جدول ۶: بررسی مناسب بودن متغیرها برای تحلیل عاملی

K.M.O	بارتلت
۰/۷۲۹	۰/۰۰

Source: Research findings

نتایج ماتریس دوران یافته، موقعیت قرارگیری هر یک از متغیرها در زیر عامل مناسب خود نشان داده شده است. همان‌طور که مشخص است، برای دیدگاه ساکنان نسبت به اثرات اقتصادی، اجتماعی و فنی پروژه‌های توانمندسازی جوامع محلی در مدیریت پایدار بر ابعاد مختلف زندگی ۸ مؤلفه استخراج شده است (جدول ۷).

جدول ۷: نتایج ماتریس دوران یافته بعد از اجرای پروژه

ابعاد	مؤلفه‌ها							
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
شرکت در جلسات توانمندسازی	۰/۶۶							
اعمال نظرات بهره‌برداران در پروژه	۰/۸۳							
شرکت در جلسات تصمیم‌گیری	۰/۸۳							
اهمیت دادن به نظر بهره‌برداران	۰/۶۳							
نقش بهره‌برداران در اجرای پروژه	۰/۶۸							
نقش بهره‌برداران در حفاظت پروژهها	۰/۷۰							
شرکت در ارزیابی و بازنگری طرح	۰/۶۹							
مشارکت در بهره‌برداری از طرح	۰/۸۱							
رسیدن به اهداف طرح		۰/۴۸						
نظر بهره‌برداران برای ادامه طرح			۰/۸۷					
رضایتمندی بهره‌برداران از بخش دولتی				۰/۳۱				

۰/۶۴	نقش تشکل‌های محلی در مدیریت منابع طبیعی
۰/۴۳	بالا رفتن میزان مشارکت با گروه‌های محلی
۰/۶۴	مشارکت مردم در برنامه‌ریزی، اجرا و پایش
۰/۸۳	نقش مشارکت مردم در حفاظت از منابع طبیعی
۰/۶۰	افزایش اعتماد مردم به مسئولان
۰/۳۴	کاهش اختلافات بهره‌برداران مراتع
۰/۸۱	افزایش گردشگری با اجرای طرح
۰/۴۴	اثر مثبت بر فرهنگ و آداب مردم
۰/۴۸	افزایش درآمد مردم با اجرای طرح
۰/۲۹	پایداری درآمد از محل اجرای طرح
۰/۷۶	تأثیر طرح بر اقتصاد مردم
۰/۶۰	میزان مشارکت نیروی انسانی در اجرای طرح
۰/۴۳	افزایش درآمد از مشاغل جایگزین
۰/۴۲	رونق صنایع دستی با اجرای طرح
۰/۷۹	افزایش پوشش گیاهی با اجرای طرح
۰/۵۵	کاهش فرسایش خاک با اجرای طرح
۰/۸۷	جلوگیری از تخریب منابع طبیعی با اجرای طرح
۰/۷۷	کاهش خسارات سیل با اجرای طرح
۰/۴۶	استفاده بهینه از آب با اجرای طرح
۰/۸۷	اثر مثبت عملیات آبخیزداری بر آب‌های زیرزمینی

Source: Research findings

همان طور که از نتایج مشخص است، مؤلفه مشارکت مردم در اجرای طرح واریانس بیشتری را نسبت به دیگر مؤلفه‌ها دارد (۳۲/۹۵) که به این دلیل است که متغیرهای بیشتری (۱۲ متغیر) را در خود نسبت به دیگر مؤلفه‌ها در بردارد. مؤلفه ۲ با داشتن ۶ متغیر ۸/۵۸ درصد واریانس را به خود اختصاص داده است. مؤلفه ۳ با داشتن ۵ متغیر و درصد واریانس ۸/۰۱ در رتبه بعدی قرار دارد. مؤلفه ۴ با داشتن ۲ متغیر ۵/۷۲ درصد واریانس را به خود اختصاص داده است. مؤلفه ۵ با داشتن ۲ متغیر ۴/۲۱ درصد واریانس را به خود اختصاص داده است و در رتبه بعدی مؤلفه ۶ با داشتن ۲ متغیر ۳/۶۴ درصد واریانس در خود اختصاص داده است. مؤلفه ۷ با داشتن ۲ متغیر ۳/۱۳ درصد واریانس را به خود اختصاص داده و مؤلفه ۸ با داشتن تنها ۱ متغیر و درصد واریانس ۲/۸۱ در آخرین رتبه قرار دارد. نتیجه این مقایسه نشانگر افزایش روحیه مشارکت‌پذیری مردم و اجرای پروژه‌ها با مشارکت آن‌ها و در نتیجه آن مدیریت مشارکتی و کاهش تخریب منابع طبیعی است. از طرفی استفاده از سایر پتانسیل‌های موجود در حوزه و ایجاد مشاغل جایگزین باعث تغییر وضعیت اقتصادی مردم و کاهش وابستگی آنان به این منابع شده است. این نتایج به خاطر تغییر نگرش و ایجاد توانمندی و توان افزایشی در آنان است که با اجرای طرح حاصل شده است (جدول ۸). نتایج نشان می‌دهد با تغییر نگرش و دیدگاه مردم در اثر برگزاری کارگاه‌های مختلف توانمندسازی آنان نسبت به منابع طبیعی اطراف خود حساس شده و درصدد حفاظت و احیاء این منابع در غالب تشکل‌های محلی برآمده‌اند و توانسته‌اند برخلاف گذشته به بخش‌های دولتی اعتماد کنند و ارتباطات قوی‌تری را با آنان برقرار کنند. با توجه به همکاری‌های که بر اساس یک هدف مشترک انجام می‌گیرد این گروه‌ها به پایداری رسیده و اختلافات بین بهره‌برداران کاهش یافته است. با مشارکت مردم در مراحل مختلف برنامه‌ریزی، اجرا و پایش طرح مردم احساس

تعلق خاطر به این فعالیت‌ها داشته و خود را مالک آن می‌دانند از این رو به صورت خودجوش درصدد حفاظت آن برآمده‌اند و آن را احیاء نموده‌اند (جدول ۸).

جدول ۸: مؤلفه‌های مؤثر بر مدیریت منابع طبیعی در طرح (توانمندسازی)

ردیف	نام مؤلفه	درصد واریانس
۱	مشارکت مردم در اجرای طرح	۳۲/۹۵
۲	کاهش تخریب منابع طبیعی با اجرای طرح	۸/۵۸
۳	تغییر وضعیت اقتصادی مردم با اجرای طرح	۸/۰۱
۴	احیاء منابع طبیعی با اجرای طرح	۵/۷۲
۵	نقش ویژه تشکلهای محلی در اجرای طرح	۴/۲۱
۶	همکاری بخش‌های دولتی در اجرای طرح	۳/۶۴
۷	اثرات اجرای طرح در جلوگیری از خسارات سیل	۳/۱۳
۸	ارتباط مردم با سایر نهادها	۲/۸۱

Source: Research findings

بحث

مدیریت پایدار منابع طبیعی با تکیه بر توانمندسازی و توان افزایش جوامع محلی و مشارکت آنان در مراحل تصمیم سازی، تصمیم‌گیری، اجرا و پایش به‌عنوان یکی از راهکارهای حفاظت بهتر منابع طبیعی است. نتایج این پژوهش نشان داده است که مشارکت مردم در هر پروژه‌ای ضامن اجرا و پایداری آن پروژه است و این مسئله در حفاظت از منابع طبیعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

مقوله مدیریت پایدار منابع طبیعی با تکیه بر توانمندسازی و توان افزایش جوامع محلی و مشارکت آنان در مراحل تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، اجرا و پایش به‌عنوان یکی از راهکارهای توسعه و مشارکت یکپارچه منابع طبیعی است. از مهم‌ترین تحولات مورد نظر صاحب نظران داخلی و خارجی برای جلوگیری از تشدید فرایند تخریب منابع طبیعی کشور و احیای مجدد این منابع مبتنی بر اصل مشارکت بهره‌برداران و جوامع محلی است؛ چنانکه نتایج این پژوهش نشان داده است که مشارکت مردم در هر پروژه‌ای ضامن اجرا و پایداری آن پروژه است و این مسئله در حفاظت از منابع طبیعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از روش‌های ایجاد و افزایش مشارکت و توانمندسازی مردم محلی، هدایت آنان به سمت ایجاد گروه و تشکلهای محلی است تا بتوانند در این قالب از مزایای تشکلهای و قدرت جمعی حاصل از آن برای بهبود وضعیت خود استفاده نمایند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که باتغییر نگرش و دیدگاه مردم در اثر برگزاری کارگاههای مختلف توانمندسازی آنان نسبت به منابع طبیعی اطراف خود حساس شده و درصدد حفاظت و احیاء این منابع در غالب تشکلهای محلی برآمده‌اند و توانسته‌اند بر خلاف گذشته به بخش‌های دولتی اعتماد کنند و ارتباطات قوی‌تری را با آنان برقرار نمایند. با افزایش روحیه مشارکت‌پذیری در مردم و اجرای پروژه‌ها با مشارکت آنها و در نتیجه آن اجرای مدیریت مشارکتی مردم نسبت به آنچه انجام داده‌اند احساس تعلق خاطر می‌نمایند و ایمان می‌آورند که اثرات اجرای پروژه به آنان برخواهد گشت پس خودشان بدون هیچ اجباری در حفظ و نگهداری آن می‌کوشند و این یعنی مدیریت پایدار منابع طبیعی که از هدف نهایی اجرای پروژه‌های مختلف در این عرصه‌ها می‌باشد.

در مجموع و با توجه به یافته‌های حاصل از دیدگاه افراد مورد مطالعه می‌توان نتیجه گرفت که پروژه توانمندسازی جوامع محلی از جمله دادن وام، کمک مالی و افزایش درآمد خانوار در افزایش پایداری منابع طبیعی و مشارکت

فعال روستاییان مؤثر بوده است. در این راستا، بیشترین تأثیر پروژه ترسیب کربن در بعد اجتماعی - فرهنگی و کمترین تأثیر در بعد اقتصادی بوده است. این یافته ها با نتایج (Emami et al., 2016) همسو است. نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که اجرای این پروژه ها بر پایداری منابع طبیعی و محیط زیست تأثیر مثبت دارد، این یافته با نتایج تحقیق (Keene and Pullin, 2011) همخوانی دارد، زیرا آن ها دریافتند که برای دستیابی به یک انقلاب اثربخش در مدیریت محیط زیست و منابع طبیعی لازم است برنامه های ارزشیابی، مدیریت سازگار، دیدگاه نظام مند و روش های مشارکتی پیاده شود.

نتایج تحقیق نشان داد به توانمند ساختن جوامع محلی میزان مشارکت در طرح های اجرایی در منابع طبیعی افزایش می یابد، در واقع در صورت داشتن سود مالی برای جوامع محلی میزان مشارکت افزایش می یابد؛ در همین راستا (Alipour, 2008) گزارش نمود که مشارکت مردم در پروژه های بذرپاشی و نهال کاری با توجه به سود سرشار حاصل از پرورش درختان مثمر بالا بوده است. (Haidari sarban and Rokneldin etfekhari, 2015) نیز در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده اند که عضویت در تعاونی های تولیدی با توانمندی روستاییان دارای رابطه مستقیم و معنی داری است. (Shakouri et al., 2007) نیز معتقدند که بین دریافت وام خوداشتغالی با میزان توانمندی افراد یک رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد؛ این یافته با نتایج (Fazeli, 2010) همسو است؛ زیرا نتایج تحقیق گویا این مطلب است که مشارکت مردم و جوامع محلی از روند کوچ بی رویه، نابودی منابع طبیعی، حفاظت از پروژه های اجرا شده در منطقه، افزایش درآمد ساکنین حوزه که پروژه مشارکتی در آن اجرا شده است و همین طور ایجاد انگیز در بین ساکنین برای همکاری با ارگان های و به تبع آن اعتماد به مسئولان مربوطه بسیار مؤثر خواهد بود.

نتیجه گیری و دستاورد های علمی پژوهش

اولین گام برای رسیدن به توسعه پایدار، بسیج جوامع محلی و جلب مشارکت مردمی در کلیه سطوح است. مطمئناً بدون حضور و مشارکت جوامع محلی، کلیه اقدامات انجام شده در زمینه حفظ و احیای منابع طبیعی بی اثر و بی نتیجه خواهد بود چراکه حیات و معیشت ذینفعان اصلی که همانا مردم می باشند، وابسته به منابع طبیعی و محیط زیست است. گام بعدی هماهنگی و همکاری بین مردم و مسئولین بوده و تا زمانی که مسئولین به این باور نرسیده باشند که حضور مردم در کلیه برنامه ریزی های توسعه روستایی امری اجتناب ناپذیر است، دستیابی به مدیریت پایدار سرزمین و جنگل و افزایش چشم اندازهای جنگلی امکان پذیر نخواهد بود. به طور کلی و با توجه به نتایج این تحقیق اگر مردم با برنامه های آموزشی، اقتصادی و فنی پشتیبانی شوند برای تغییر انگیزه بالایی خواهند داشت و همکاری مردم به صورت پایین به بالا و در کلیه سطوح از تدوین و برنامه ریزی تا تصمیم گیری و اجرا امری اجتناب ناپذیر بوده و حفظ و احیای منابع طبیعی بدون در نظر گرفتن اصل فوق امکان پذیر نخواهد بود.

منابع طبیعی یکی از ثروت های حائز اهمیت برای نسل های کنونی و آینده است که نقش بسیار مهمی در تعادل بوم شناختی، درآمدزایی و توسعه روستایی دارد؛ اما این منابع اکنون با بهره برداری بیش از حد مجاز و غیراصولی در معرض نابودی قرار گرفته است. حفاظت از این منابع به صورت حاکمیتی و با برنامه ریزی از بالا به پایین انجام می شود و علی رغم اقدامات سخت گیرانه و هزینه های زیاد از طرف دولت، تخریب منابع طبیعی همچنان ادامه دارد،

این مسئله نیاز به مدیریتی سازگار برای حفاظت منابع طبیعی با تأکید بر همکاری جوامع محلی را ضروری می‌نماید. مشارکت و دخالت دادن تمام ذینفعان جامعه در فرآیند پروژه (مسئله یابی، برنامه‌ریزی، طراحی، اجرا و ارزشیابی) برای حفاظت پایدار و تسهیل در حمایت جامعه محلی امری ضروری است.

متخصصان و صاحب نظران توسعه معتقدند که ضامن موفقیت هر طرح و برنامه‌ای مشارکت ذینفعان آن طرح و برنامه است و دستاورد اصلی توسعه را رسیدن به مدیریت مشارکت مدار می‌دانند. با وجود تلاش‌های عدیده‌ای که در مسیر دستیابی به مشارکت نهادینه مردم در حوزه‌های آبخیز صورت گرفت لیکن مکانیزم اجرایی مشخصی در این زمینه در کشور تدوین نشد. بدین منظور فاز اول طرح مدیریت پایدار منابع آب و خاک (SMLWR) بر اساس برنامه مشترک میان دولت جمهوری اسلامی ایران و برنامه عمران سازمان ملل متحد (UNDP) از سال ۱۳۷۶ در حوزه آبخیز حبله رود با مساحت ۱/۲ میلیون هکتار به عنوان منطقه پایلوت با هدف دستیابی به الگوهای مناسب برنامه‌ریزی، مدیریت، اجرا، بهره‌برداری و پایش و ارزشیابی منابع آب و خاک در حوزه آبخیز حبله‌رود و تعمیم و توسعه نتایج حاصله از آن به برنامه ملی حفاظت منابع طبیعی از طریق مشارکت مردم در مدیریت حوزه‌های آبخیز کشور در دو استان تهران و سمنان آغاز شد.

پس از اتمام فاز اول طرح بر اساس جلسه‌ای که با حضور نمایندگان وزارت جهاد کشاورزی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی وقت، وزارت امور خارجه و برنامه عمران سازمان ملل تشکیل شد و با توجه به اهمیت و ضرورت طرح حبله رود، مقرر شد این طرح بدلیل اولویت داشتن در برنامه‌های ملی وارد فاز دوم خود شود.

طرح حبله‌رود در فاز دوم به دنبال دستیابی به الگوی مناسب مدیریت یکپارچه حوزه‌های آبخیز کشور در مناطق خشک و نیمه خشک است و این مهم را از طریق ایجاد دیدگاه حوزه‌ای به جای دیدگاه مرسوم بخشی، برقراری ارتباط مناسب بین بالادست حوزه با پائین دست آن، تقویت هماهنگی بین بخشی در سطح دست اندرکاران مختلف و نیز اجرای فرآیندهای مشارکت مدارانه محلی دنبال می‌نماید. خروجی‌های اصلی طرح حبله رود، طراحی برنامه اقدامی جهت تمرین و اجرای فعالیت‌های مرتبط با مدیریت حوزه‌های آبخیز و نیز کنترل تخریب اراضی از طریق ارتقاء وضعیت زندگی ساکنین آن می‌باشد.

برای دستیابی به هدف فوق، این طرح مجموعه‌ای از اقدامات را در فاز جدید در دستور کار خود قرار داده است که از آن جمله می‌توان به تهیه برنامه آمایش سرزمین حوزه آبخیز حبله‌رود، تهیه برنامه مدیریت و برنامه پایش و ارزیابی حوزه آبخیز حبله‌رود، تهیه مدل مدیریت یکپارچه حوزه‌های آبخیز در مناطق خشک و نیمه‌خشک، انجام مجموعه‌ای از فعالیت‌های ظرفیت‌سازی و آگاهی‌رسانی و اجرای پروژه‌های الگویی مرتبط با مدیریت پایدار منابع آب و خاک و تعمیم و توسعه آنها به سایر مناطق اشاره نمود که این همه از طریق فرآیندهای مشارکت مدارانه و نیز تقویت هماهنگی بین بخشی بین کلیه دست‌اندرکاران حوزه محقق خواهد شد. در مقوله مدیریت پایدار منابع طبیعی با تکیه بر توانمندسازی و توان‌افزایی جوامع محلی و مشارکت آنان در مراحل تصمیم‌گیری، تصمیم‌گیری، اجرا و پایش به‌عنوان یکی از راهکارهای توسعه و مشارکت یکپارچه منابع طبیعی است. از مهم‌ترین تحولات موردنظر صاحب‌نظران داخلی و خارجی برای جلوگیری از تشدید فرآیند تخریب منابع طبیعی کشور و احیای مجدد این منابع مبتنی بر اصل مشارکت بهره‌برداران و جوامع محلی است.

نتایج این پژوهش نشان داده است که مشارکت مردم در هر پروژه‌ای ضامن اجرا و پایداری آن پروژه است و این مسئله در حفاظت از منابع طبیعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از روش‌های ایجاد و افزایش مشارکت و توانمندسازی مردم محلی، هدایت آنان به سمت ایجاد گروه و تشکل‌های محلی است تا بتوانند در این قالب از مزایای تشکل‌ها و قدرت جمعی حاصل از آن برای بهبود وضعیت خود استفاده نمایند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با تغییر نگرش و دیدگاه مردم در اثر برگزاری کارگاه‌های مختلف توانمندسازی آنان نسبت به منابع طبیعی اطراف خود حساس شده و درصدد حفاظت و احیاء این منابع در غالب تشکل‌های محلی برآمده‌اند و توانسته‌اند برخلاف گذشته به بخش‌های دولتی اعتماد کنند و ارتباطات قوی‌تری را با آنان برقرار نمایند. با افزایش روحیه مشارکت‌پذیری در مردم و اجرای پروژه‌ها با مشارکت آن‌ها و در نتیجه آن اجرای مدیریت مشارکتی مردم نسبت به آنچه انجام داده‌اند احساس تعلق خاطر می‌نمایند و ایمان می‌آورند که اثرات اجرای پروژه به آنان بر خواهد گشت پس خودشان بدون هیچ اجباری در حفظ و نگهداری آن می‌کوشند و این یعنی مدیریت پایدار منابع طبیعی که از هدف نهایی اجرای پروژه‌های مختلف در این عرصه‌ها است.

مشارکت مردم در هر پروژه‌ای ضامن اجرا و پایداری آن پروژه است و این مسئله در حفاظت از منابع طبیعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. کلیه تلاش‌ها بر این است که برای اجرای هر پروژه مردم در سطوح مختلف حضورداشته باشند تا بتوانیم نتایج مطلوبی را به دست آوریم.

اجرای طرح مدیریت جامع منابع طبیعی در یک حوزه آبخیز مانند رامه توان و انرژی بسیار زیادی را می‌طلبد و این امر با مشارکت بهره‌برداران محقق گردیده است که در این تحقیق موردبررسی قرار گرفته و نتایج به صورت ذیل حاصل گردید:

۱- بیش از ۴۷ درصد از بهره‌برداران دارای سن بیشتر از پنجاه سال دارند این امر حاکی از آن است که جوانان کمتر به دامداری به صورت رمه گردانی و شبانی روی آورده‌اند و یا اینکه حداقل در سنین پایین‌تر به این حرفه نپرداخته‌اند.

۲- شصت درصد از بهره‌برداران باسواد می‌باشند که پذیرش اصول مشارکت و برگزاری کارگاه‌های مشارکتی و انجام فعالیت‌های ترویجی را آسان‌تر نموده است اما نتایج بیانگر این مسئله است که بیشتر بهره‌برداران دارای سطح تحصیلات پایینی می‌باشند و افراد دارای تحصیلات عالی در بین آن‌ها وجود ندارد لذا در برگزاری کارگاه‌ها و نشست‌ها این نتایج جهت تعیین سطح کارگاه و ارائه مطالب بسیار تاثیر گذار است.

۳- نتایج آزمون NPar Tests نشان داد که پاسخ سؤالات در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار است و بر همین اساس فرضیه‌های موردبررسی با توجه به معنی‌دار بودن نتایج قابل قبول است. در این بررسی بیشترین میانگین به میزان ۳,۹۸ مربوط به مشارکت مردم در مراحل برنامه‌ریزی، اجرا و پایش است بیانگر این مسئله است که در اجرای این پروژه، مشارکت در تمام مراحل وجود داشته است و باعث پایداری منابع طبیعی گردیده و مدیریت آن را راحت‌تر می‌نماید.

۴- نتایج آزمون NPar Tests نشان داد کمترین مقدار میانگین آن مربوط به تغییر تعداد دام در مرتع است. این امر بیانگر آن است که با توجه به مدیریت‌های اعمال‌شده تعداد دام در مراتع کاهش زیادی نداشته است اما تغییرات پوشش گیاهی و کاهش رواناب‌های سطحی بیانگر مشارکت مردم در اجرای برنامه‌های احیایی و مدیریت چرا در مراتع است که باعث حفظ بهتر منابع آب‌و خاک گردیده است.

۵- بررسی عامل‌های موردنظر همراه با میزان واریانس تبیین شده آن‌ها برای اثرات اجرای طرح بر مدیریت منابع طبیعی نشان می‌دهد در این نگرش سنجی مؤلفه مشارکت مردم در اجرای طرح واریانس بیشتری را نسبت به دیگر مؤلفه‌ها دارد (۳۲,۹۵)؛ به عبارت دیگر در تلخیص مؤلفه‌های موردبررسی، مشارکت مردم در اجرای طرح بالاترین رتبه را به خود اختصاص داده است.

۶- در بررسی مؤلفه‌های موردنظر ارتباط مردم با محیط پیرامون آن‌ها پایین‌ترین رتبه را داشته است در نتیجه کمترین تعداد عامل‌های موردبررسی را در خود جای‌داده است.

۷- نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که با اجرای توانمندسازی و توان‌افزایی جوامع محلی نتایج ذیل حاصل گردیده است که در نهایت منجر به حفاظت بهتر منابع طبیعی شده گروه‌های محلی پایدار مانده و رضایتمندی مردم با مشارکت در مراحل برنامه‌ریزی اجرا و پایش حاصل شده است:

۱-۷- سطح آگاهی مردم نسبت به منابع طبیعی و محیط پیرامونشان افزایش یافته است که در نتیجه آن نسبت به تخریب منابع طبیعی حساس شده‌اند.

۲-۷- روحیه مشارکت‌پذیری مردم افزایش یافته است و ارتباط و اعتماد متقابل بین مردم و دولت ایجاد شده است و نتیجه آن مشارکت مردم در مراحل برنامه‌ریزی، اجرا و پایش پروژه‌ها است.

۳-۷- مردم نسبت به پروژه‌های اجرا شده در منطقه خودشان احساس تعلق می‌کنند و در نتیجه آن خود را موظف به حفاظت از آن می‌دانند و به صورت خودجوش از این پروژه‌ها مراقبت و نگهداری نموده و در صورت تخریب آن را مرمت می‌نمایند که در نتیجه آن برای دولت هزینه‌ای را در بر نداشته و با توجه به کمبود نیروهای حفاظتی پروژه‌ها حفظ خواهد شد.

۴-۷- دیدگاه مردم و کارشناسان مرتبط با پروژه نسبت به هم و مشارکت تغییر پیدا کرده است که در نتیجه آن اجرای فعالیت‌ها را آسان‌تر نموده و ادبیات مشترکی ایجاد شده است و مردم به‌عنوان تسهیلگران محلی در سایر مناطق اهداف پروژه را پیگیری می‌نمایند.

۵-۷- مردم با سایر پتانسیل‌های موجود در مناطق خود آشنا شده‌اند و با استفاده از این پتانسیل‌ها مشاغل جایگزین را ایجاد نمودند که باعث بهبود وضع اقتصادی و کاهش وابستگی آنان به عرصه‌های منابع طبیعی و در نتیجه آن جلوگیری از تخریب منابع طبیعی شده است.

۶-۷- وجود هدف و دیدگاه مشترک باعث ایجاد تشکلهای محلی شده است که دارای همگرایی قابل‌توجهی هستند. اعضای این گروه‌ها در برنامه‌ریزی، اجرا و پایش پروژه‌های مختلف مشارکت داشته‌اند که این امر باعث پایداری این گروه‌ها شده است.

۷-۷- توجه به نقش مردم در مراحل مختلف و دریافت نظرات آن‌ها و اعمال این نظرات و مشارکتشان در اجرا باعث رضایتمندی آنان شده است و آنان را در حفظ منابع طبیعی کوشاتر نموده است.

نتیجه نهایی: مدیریت پایدار منابع طبیعی با تکیه بر توانمندسازی و توان افزایش جوامع محلی و مشارکت آنان در مراحل تصمیم سازی، تصمیم‌گیری، اجرا و پایش به عنوان یکی از راهکارهای حفاظت بهتر منابع طبیعی است.

مقوله مدیریت پایدار منابع طبیعی با تکیه بر توانمندسازی و توان افزایش جوامع محلی و مشارکت آنان در مراحل تصمیم سازی، تصمیم‌گیری، اجرا و پایش به عنوان یکی از راهکارهای توسعه و مشارکت یکپارچه منابع طبیعی است.

از مهمترین تحولات مورد نظر صاحب نظران داخلی و خارجی برای جلوگیری از تشدید فرایند تخریب منابع طبیعی کشور و احیای مجدد این منابع مبتنی بر اصل مشارکت بهره برداران و جوامع محلی می باشد چنانکه نتایج این پژوهش نشان داده است که مشارکت مردم در هر پروژه ای ضامن اجرا و پایداری آن پروژه است و این مسئله در

حفاظت از منابع طبیعی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. یکی از روش های ایجاد و افزایش مشارکت و توانمند سازی مردم محلی، هدایت آنان به سمت ایجاد گروه و تشکلهای محلی است تا بتوانند در این قالب از مزایای تشکلهای

و قدرت جمعی حاصل از آن برای بهبود وضعیت خود استفاده نمایند. نتایج پژوهش نشان می دهد که با تغییر نگرش و دیدگاه مردم در اثر برگزاری کارگاههای مختلف توانمند سازی آنان نسبت به منابع طبیعی اطراف خود حساس شده و درصدد حفاظت و احیاء این منابع در قالب تشکلهای محلی برآمده اند و توانسته اند بر خلاف گذشته به

بخشهای دولتی اعتماد کنند و ارتباطات قویتری را با آنان برقرار نمایند. با افزایش روحیه مشارکت پذیری در مردم و اجرای پروژه ها با مشارکت آنها و در نتیجه آن اجرای مدیریت مشارکتی مردم نسبت به آنچه انجام داده اند احساس

تعلق خاطر می نمایند و ایمان می آورند که اثرات اجرای پروژه به آنان بر خواهد گشت پس خودشان بدون هیچ اجباری در حفظ و نگهداری آن می کوشند و این یعنی مدیریت پایدار منابع طبیعی که از هدف نهایی اجرای پروژه های مختلف در این عرصه هامی باشد.

با توجه به دیدگاهها، استراتژیها و پارادیم های نوین در نیم قرن اخیر، مدیریت مشارکتی با تأکید بر توانمندسازی و توان افزایش جوامع محلی جهت نیل به توسعه پایدار در بخش منابع طبیعی و آبخیزداری مورد توجه قرار گرفته و به معنای دخالت همه جانبه در فرایند سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که زندگی مردم را تحت تأثیر قرار می دهد

مطرح شده و با توجه به انجام پروژه های مشارکتی مختلف و تجربیات گوناگون با مشخص شدن چالشها، تنگناها و مشکلات پیشنهاد می شود موارد ذیل مورد بررسی قرار گرفته و نتایج آن‌ها اعمال گردد:

۱- بهبود سیستمی فرایندها و ساختارهای مشارکتی با توجه به شرایط و منطقه هدف می بایست انجام گردد تا نتایج مطلوب تری حاصل گردد .

۲- تغییر نگرش مسئولین، کارشناسان و جامعه محلی با مفهوم فعالیت های مشارکت مدارانه قبل از شروع فعالیت های اجرایی می بایست انجام شود.

۳- ایجاد هماهنگی بخشی و بین بخشی دستگاه های مختلف در سطح حوزه جهت اعمال مدیریت جامع منابع طبیعی با مشارکت مردم می بایست اعمال گردد.

- ۴- امکان تغییر نحوه هزینه کرد اعتبارات در موافقت‌نامه‌ها در فعالیت‌های مشارکتی جهت واگذاری اجرای پروژه‌ها به جوامع محلی به‌جای پیمانکاران موردبررسی و پیگیری قرار گیرد.
- ۵- هویت بخشی به تشکل‌های محلی و ثبت این گروه‌ها در قالب یک اتحادیه در سطح کشور جهت به رسمیت شناخته شدن توسط دستگاه‌های دولتی و بانک‌ها برای استفاده از فرصت‌های موجود موردبررسی قرارگیری.
- ۶- تهیه برنامه اقتصادی و بازاریابی جهت محصولات تولیدی در مشاغل جایگزین می‌بایست انجام شود تا فعالیت‌های اجرایی و اثرات آن‌ها پایدار بماند.
- ۷- تلفیق دانش بومی و فناوری‌های نوین در بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی می‌بایست بررسی شده و مورد استفاده قرار گیرد.

References

- Abrahampour, M., (2000). Status and Status of Participatory Action and Its Effective Factors on Watershed Management, Proceedings of the First Conference of Natural Resources, Participation and Development, Tehran: Public Extension and Public Participation of Forestry, Rangeland and Watershed Management Organization.
- Akbarpour, M., (2015). Role and Performance of Villagers Empowerment in Rural Entrepreneurship (Case Study: Central District of Hashrood), *Geography and Environmental Sustainability*, 6 (18), 51-66.
- Alipour, P., Zahedi, M.J., Shiyan, M., (2008). Trust and Participation (A Study of the Relationship between Trust and Social Participation in Tehran), *Journal of Sociology of Iran*, Volume 10, Issue pp. 109-135.
- Baghai, M., Chizari, M., feali, S., Mirzaie, A., (2012). Investigating the Factors Influencing and Factors of Participation of Villagers in Watersheds and Providing Strategies for Increasing their Participation Rate. Case Study of Abakiz Zarcheshmeh Hangjan, Seminar on Participatory Water & Soil Development Planning Semnan, Semnan.
- Babu, S.C., and Reidhead, W. (2000). Monitoring natural resources for policy interventions: a conceptual framework, issues, and challenges, *Global Environmental Change*, Volume 20, Issue 4, Pages 636-647.
- Dwyer, I., Edwards, D., Mistillis, N., Scott, N. (2009). Destination and Enterprise Management for a Tourism Future, *Tourism Management*, 30(1):63-74.
- Department of Natural Resources and Watershed Management of Semnan Province. (2010). Semnan Province Natural Resources, Public Relations Department of Natural Resources of Watershed Management of Semnan province.
- Emami, N., Ahmadpour, A., Abedi Sarvestani, A., Shahraki, M. R., (2016). Investigating the effect of carbon sequestration on the ability of local communities (Case study of Til Abad watershed in Golestan province), *Quarterly Journal of Agricultural Promotion and Education Research*, Vol. 10, No. 4, pp. 23-36.
- Fazeli, M., (2008). Social Impact Assessment, Sociology Publishers.
- Ghorbani, M., Dehborzghi, M., (2014). Stakeholder Analysis, Social Power, and Network Analysis in Participatory Management of Natural Resources, *Journal of Range and Watershed Management*, 67 (1), 141-157.
- Heydarisaban, V., Roknoddin Eftekhari, A., (2015). An Analysis of Factors Affecting the Empowerment of Farmers in Ardabil Province, *Journal of Agricultural Economics and Development Research*, Volume 47, Issue 3, Pages 743-755.
- Hadiyan Ameri, M.A., Lotfi, S., (2004). Investigating the Role of General Education and Public Participation in the Effectiveness of Soil Conservation Projects, Third National Conference on Erosion and Sediment, Tehran, Soil Conservation and Water Conservation Research Center of Iran.
- Hudson, N., (1991). A Study of the Reasons for Success or Failure of Soil Conservation **Projects**. **FAO**.

- Iran Engineering Consulting Engineers (2006). Investigating the Social Structure of Historical Backgrounds and Experiences of Iran and Some Countries on Participation - Iranian Integrated Consulting Engineers, Workshop on Participatory Development of Water and Soil of the Country, Semnan.
- Johnson, N.L., Lilja, N., and Ashby, J.A. (2003). Measuring the impact of user participation in agricultural and natural resource management research, *Agricultural Systems*, Volume 78, Issue 2, Pages 287-306.
- Keene, M., and Pullin, A.S. (2011). Realizing an effectiveness revolution in environmental management, *Journal of Environmental Management*, Volume 92, Issue 9, Pages 2130-2135.
- Khan, M., & Ali, Q.U.A. (2016). Socio-Economic Empowerment of Women in Pakistan; Evidences From Gilgit-Baltistan. *International Journal of Asian Social Science*, 6(8): 462-471.
- Malek Hosseini, A. (2010). Assessment of Socio-Economic Impact of Soleymanshah Dam on the Rural Development of the Area Under the Ministry of Agriculture, Razi University of Kermanshah.
- Mojtaba Zadeh Khaneghahi, H., Parsaei Raouf, P., (2014). Investigating the Role of Local Communities in Sustainable Development, Considering the Capabilities of Qeshm Geo Park, *Tourism Quarterly and Future Prospects*, Fourth Edition, No. 3, pp. 81-96.
- Park, E., & Kim, S. (2014). Enhancing Local Community's Involvement and Empowerment Through Practicing Cittaslow: Experiences from Goolwa, South Australia. *SHS Web of Conferences*.
- Prato, B., & Longo, R. (2012). Empowerment of Poor Rural People Through Initiatives in Agriculture and Natural Resource Management. *Poverty Reduction and Pro-Poor Growth: The Role of Empowerment*: <https://www.oecd.org/dac/povertyreduction/50157503.pdf>.
- Rastin, M., Khatami, S.V., Noveh, M., Miramad, S.H., Glory, A., (2013). The Role of Women Empowerment in Sustainable Natural Resources Management (Case Study: Faroun Village in the Unconventional Plan for Water Resources Management and Housing in the Province of Semnan), *First National Conference on Women and Rural Development*, Mashhad.
- Rashid Pour, L., Hosseini Jamal, F., (2006). Management Based on Rural Community in Protecting Natural Resources, *Journal of Jihad, Promoting Agriculture and Rural Development*, 27, No. 277, pp. 21-34.
- Sahrawat, k.l., wani, s.p., pathak, p., rago, t.j. (2010). Managing natural resources of watersheds in the semi-arid tropics for improved soil and water quality: A review, *Agricultural Water Management*. Volume 97, Issue 3, March 2010, Pages 375-381.
- Sarmad, Z., Bazargan, A., Hejazi, A., (1998). *Research Methods in Behavioral Sciences*, Third Edition, Pub.
- Sa'di, H., Sha'ban Ali Qomi, H., Latifi, S., (1391). Measurement of the Economic and Social Capacity of Rural Women's Carpets and its Effective Factors (Case Study of Hamedan Province), *Journal of Women in Development and Seyyat*, Volume 10, Issue 2, Pages 107-126.
- Shariati, M.R., Ziyad bbakhsh, S., Varamin, N., (2004). Factors Affecting the Participation of Foresters in Protecting the Forests of the North and West of the Countr, *Forest and Rangeland Journal*, No. 67, pp. 57-47.
- Shakouri, A., Rafat Jah, M., Jafari Behtash, M. (2007) The Components of Women's Empowerment and Explaining Effective Factors on Women, *Journal of Women's Research*, Vol. 5, No. 1, Pages 1-15.
- Shafaghathi cherdo, Mehdi. (2002). Effects of Popular Participation and Participatory Management in the Conservation and Restoration of Natural Resources and Aquaculture Operations, *Third Aqueductive Conference*, Urmia, Soil Conservation and Watershed Management Institute.
- Schandl, H., and West, J. (2010). Resource use and resource efficiency in the Asia-Pacific region. *Global Environmental Change*, Volume 20, Issue 4, Pages 636-647.
- Welch-Devine M. (2008). "From common property to co-management: Implementing Natural 2000 in Soule". Doctoral dissertation, University of Georgia, Athens. pp. 145-254.
- Yavari, G., Khalili, M., Mirkayei, S.H., (2005). Investigating the Economic and Social Impact of the National Project of Hableh Roud by PRA Method in the Pilot Village of Garmsar County Case Study of Behroud Village, *Seminar on Participatory Development Planning of Water and Soil of Semnan*.

Zamani, G., (1998). The Effectiveness of Higher Education Affected by Students' Goals and Curriculum, Journal of Research and Planning in Higher Education, No. 18, pp. 75-96.

